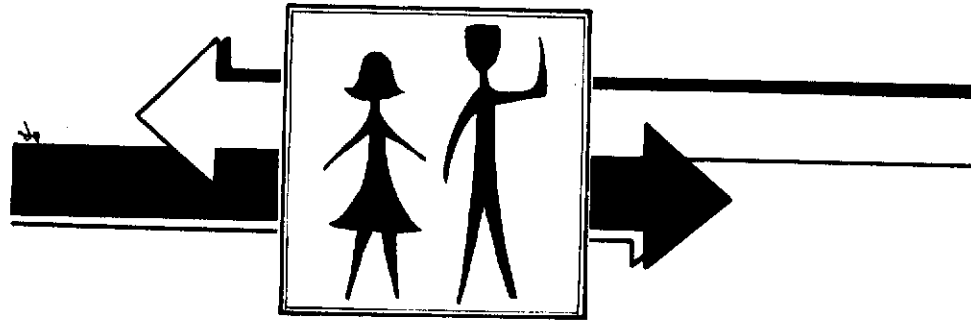


روابط دختر و پسر در ایران



علی اصغر احمدی

● مقدمه

● قسمت دوم

در شماره قبل ضمن توضیح پیرامون روابط دختر و پسر در ایران و آسیب‌هایی که از این زمینه می‌تواند متوجه نوجوانان و جوانان ما باشد به آسیب‌های اجتماعی، روانی و تربیتی اشاره کردیم و یادآور شدیم که آسیب‌پذیری دختران در زمینه‌های مورد بحث بیش از آسیب‌پذیری پسران است. در ادامه بحث به ضرورت‌های مطرح کردن بحث روابط دختر و پسر پرداخته و به دو محور اشاره کردیم. اولین محور در ضرورت مطرح کردن این بحث، وظیفه تعلیم و تربیت در هویت‌یابی جنسی نوجوانان بود. در این محور ضرورت تعیین الگو برای همانندسازی نوجوان برای مرد بودن و زن بودن را مورد بحث قرار دادیم. اینک به محورهای دیگری در زمینه ضرورت طرح این بحث می‌پردازیم.

اصالت خانواده در جامعه ایرانی یکی دیگر از ضرورت‌های بحث دربارهٔ روابط دختر و پسر ناشی از جایگاه نهاد خانواده در جامعه اسلامی ایران است. به دلایل گوناگون می‌باید خانواده هسته‌ای یا خانواده مستقل که از پدر، مادر و تعدادی فرزندان تشکیل می‌شود حفظ شده و تدابیر لازم برای محترم شمردن حدود این نهاد مقدس تدارک دیده شود، یکی از مهمترین تدابیری که باید اندیشیده شود، تربیت نسل امروز برای ساختن خانواده‌هایی سالم در آینده است. نوجوانان امروز باید به گونه‌ای تربیت شوند که بتوانند شناخت درستی از جنس مخالف داشته و وظائف خود را در

مقابل آنان در حال حاضر و آینده بدانند. عدم توجه به این اصل مهم یعنی حفظ فداست خانواده، می‌تواند به آینده جامعه ما لطمه اساسی وارد کرده و کنترل روابط انسانی را از اختیار برنامه‌ریزان اجتماع خارج کند. سُست شدن بنای خانواده در غرب، رواج خانواده‌های زوجی، یعنی خانواده‌هایی که زن و مرد بدون عقد معروف و مشروع مدتی با یکدیگر زندگی کرده و هیچگونه تعهدی برای استمرار درازمدت زندگی احساس نمی‌کنند، رواج همجنس‌گرایی و ازدواج‌های بین جنسی و نیز رواج «تنهایی»، همگی زنگ خطری است برای ما و آینده‌ای که در پیش رو داریم. امروز دولت‌مردان، متفکران و سیاست‌گزاران غرب به نوعی در تلاشند خانواده هسته‌ای را نجات بخشند. جیمی کارتر می‌گوید: «واضح است که دولت ملی باید سیاستی برای حمایت خانواده داشته باشد... هیچ مسئله‌ای اولویت آن را ندارد». امروزه در غرب متنفذین با عصبانیت گناه بحران خانواده را به گردن هر چیزی، از «اوباشان دوره گرد» تا نوازندگان موسیقی می‌اندازند. بعضی می‌گویند که مخالفت با سقط جنین با کنار گذاشتن آموزش جنسی یا متوقف کردن جنبش «زن آزادخواهی»، خانواده را دوباره مستحکم خواهد کرد و با برخی معتقدند که باید کلاس‌هایی در زمینه «آموزش مسائل خانوادگی» گذاشت. «پل گلیک»، آمارشناس ارشد دولت ایالات متحده در زمینه مسائل خانوادگی، خواستار آن است که به افراد به نحو «مؤثرتری» در زمینه‌ای که چگونه عاقلانه‌تر ازدواج کنند، آموزش داده شود. با به عبارتی دیگری خواهان روشی است برای انتخاب همسر که از نظر علمی آزمایش شده و مورد تأیید باشد. برخی دیگر ادعا می‌کنند آنچه ما احتیاج داریم مشاورین بیشتری در زمینه ازدواج یا

حتی مبلغین بیشتری است که بتوانند تصویر بهتری از خانواده ارائه دهند.

این تلاشها همگی در غرب پس از به وجود آمدن وضعیتی است که باید بگوییم علیرغم میل بسیاری از متفکران غربی و پدران و مادران، متحقق شده است. کم‌رنگ شدن جایگاه خانواده هسته‌ای که برای انسان می‌تواند آرامش روانی بیشتری، همراه با تقید بیشتر به اخلاق را به ارمغان آورد، خود مسائلی را به وجود می‌آورد، که چاره‌سازی آن مسائل در جامعه به سادگی امکان‌پذیر نیست. به عبارت بهتر خانواده هسته‌ای به نیاز طبیعی انسان از لحاظ روانی و اجتماعی و جسمانی نزدیکتر است تا شکل‌های دیگر زندگی. خانواده هسته‌ای

*** در صورتی که دانش آموز دریابد که برایش ارزش قائلیم و او را شخصیتی والا می‌دانیم، او خود برای حفظ چنین کرامتی از ارتکاب بسیاری از اعمال پست و بی‌ارزش خودداری خواهد کرد.**

می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی را چاره‌سازی کرده و با پیشگیری نماید. پیشگیری از گسترش بی‌بندوباری، هرزگی، بزهکاری و بسیاری از مشکلات روانی می‌تواند در سایه خانواده هسته‌ای تحقق پیدا کند. حفظ عناصر ارزشمند فرهنگی و انتقال آن به نسل‌های آتی و نیز ایجاد هویت ملی و فرهنگی برای اعضای جامعه، به گونه‌ای که افراد جامعه احساس کنند به عنوان ایرانی مسلمان، دارای هویتی هستند، همگی در سایه حفظ خانواده هسته‌ای امکان‌پذیر است. شکوفا شدن عشق به فرزند به عنوان یکی از سرمایه‌های غریزی انسان

که تنها از طریق دارا بودن فرزند می‌تواند به تحقق برسد و نیز احساس امنیت حقیقی فرزند در کنار والدین و در سنین بالاتر، محوریت پدر بزرگ و مادر بزرگ برای انصال اجتماعی فرزندان ونوه‌ها، در صورت حفظ خانواده هسته‌ای امکان‌پذیر است. از این رو باید توجه داشت که در برنامه‌های آتی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی حفظ قداست و حرمت خانواده پوسه مورد تأکید قرار گیرد. دولت می‌باید برای تسهیل تشکیل خانواده و فراهم کردن امکانات اقتصادی و فرهنگی مناسب، برنامه‌هایی را در نظر داشته باشد. در بودجه‌های تقدیمی به مجلس می‌باید به فراهم کردن امکانات برای تشکیل خانواده، توجه شود.

نظام تعلیم و تربیت کشور، مربیان جامعه، پدران و مادران باید با توجه به تحولات اجتماعی کنونی و آینده‌ای که در پیش رو داریم فرزندان این جامعه را برای تشکیل خانواده و به عنوان عضوی از یک خانواده تحت تعلیم و تربیت قرار دهند. یکی از عناصر لاینفک تعلیم و تربیت توجه به روابط دختر و پسر قبل از ازدواج است. این روابط باید مورد بحث قرار گرفته و حدود آن و نحوه برخورد هر یک از دو جنس با یکدیگر مشخص شود. بدین لحاظ است که برای حفظ اصالت خانواده نیز ناگزیر از بحث پیرامون روابط دختر و پسر در جامعه ایرانی هستیم.

بهر است پیش از اتمام این بحث نگاهی به وضعیت خانواده در آمریکا داشته باشیم. به این امید که برنامه‌ریزان جامعه بتوانند تدابیری را ببینند تا از به وجود آمدن چنین وضعیتی در جامعه ما جلوگیری نمایند.

در ایالات متحده آمریکا تنها هفت درصد خانواده‌ها متشکل از یک شوهر شاغل، یک زن خانه‌دار و دو کودک می‌باشند. خانواده‌هایی که زن شوهر کار

می‌کنند و نیز دارای فرزندان کم‌تر یا بیشتر و دو فرزند هستند، بین یک سوم تا یک چهارم جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند. تعداد افراد مجرد، یعنی افرادی که به تنهایی و به طور کامل خارج از خانواده زندگی می‌کنند، بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۸، در فاصله سنی ۱۴ تا ۳۴ سال، تقریباً سه برابر شده است. یعنی از ۱/۵ میلیون به ۴/۳ میلیون افزایش یافته است. همچنین طبق آمار، عده زنان و مردانی که بدون ازدواج رسمی با یکدیگر زندگی می‌کنند روبه افزایش است این گروه طبق گزارش‌های مقامات دولتی در دهه گذشته (فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰) بیش از دو برابر شده است.»

*** باید خانواده هسته‌ای یا خانواده مستقل که از پدر، مادر و تعدادی فرزندان تشکیل می‌شود حفظ شده و تدابیر لازم برای محترم شمردن حدود این نهاد مقدس تدارک دیده شود.**

● هماهنگی در شیوه‌های تربیتی

یکی دیگر از ضرورت‌های بحث پیرامون روابط دختر و پسر، ایجاد هماهنگی بیشتر در شیوه‌های تربیتی است. امروزه ما شاهد شیوه‌های بسیار متفاوتی در بین اولیاء مدرسه و خانه در زمینه نحوه برخورد با این مسئله هستیم. برخی از مدارس بنا را بر اغماض بیش از حد گذاشته و آزادی بسیاری برای دانش‌آموزان فراهم آورده‌اند و بالعکس برخی دیگر از مدارس به بازرسی بدنی و گاه تعقیب دانش‌آموزی که به او مشکوک هستند، می‌پردازند.

گرفتن تعهد کتبی و شفاهی از

دانش آموز و اولیاء وی نیز فراوان مشاهده می شود. این روشها ناکنون بازده مطلوبی نداشته است. هر چند که چنین روشهایی تا حد زیادی کنترل کننده خواهد بود اما مشکل را به یک شیوه تربیتی حل نمی کند، بلکه کنترل رفتار را پیوسته به عوامل خارجی محول می سازد. در شیوه های مؤثر تربیتی باید به گونه ای عمل کرد تا کنترل، یک کنترل درونی شود و دانش آموز خود به قبح یک عمل معتقد شده، خوشتن را از ارتکاب به آن دورنگه دارد. توجه دادن دانش آموز به کرامت و بزرگی شخصیت خویش از طریق تکریم او و اجتناب از توهین و تحقیر شخصیت نوجوان، یکی از مهمترین اصولی است که می تواند به عنوان یک کنترل درونی، مانع ارتکاب اعمال پست و مبتنی بر امیال شهوانی از طرف دانش آموز باشد. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «من کَرَمْتُ عَلَیْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَیْهِ شَهْوَانُهُ» یعنی کسی که نفسش برایش گرانقدر باشد شهواتش برایش کوچک و خوار خواهد شد. این کلام؛ بیانگر مهمترین اصل تربیتی در برخورد با نوجوان است. در صورتی که دانش آموز دریابد که برایش ارزش قائلیم و او را شخصیتی والا می دانیم، او خود برای حفظ چنین کرامتی از ارتکاب بسیاری از اعمال پست و بی ارزش خودداری خواهد کرد.

بدین ترتیب بحث روابط دختر و پسر نیز می باید تحلیل شده و رفتارهای نادرست در این زمینه مشخص شده و این رفتارها با شیوه های مبتنی بر حفظ کرامت دانش آموز، به آنها منتقل شود. استفاده از این شیوه ها مستلزم تعمق و تجدیدنظر در بسیاری از روشهایی است که امروزه در زمینه تعلیم و تربیت نسل نوجوان رایج است. خانمی بیست ساله اظهار می داشت مادرم به من می گفت: «اگر با پسری رابطه داشته باشی

قسمت چپ صورتت سرخ خواهد شد». او در ادامه گفت امروز من از تمام پسرها متنفرم. استفاده از چنین شیوه هایی نه تنها آثار سوئی به جای می گذارد بلکه می تواند در روابط چنین فردی با همسر آینده اش اثر بگذارد و نه تنها استفاده از دروغ در تربیت است بلکه خود فی نفسه نشانگر این است که مربی اعتقادی به کنترل انسان بر روی رفتار خویش ندارد، چنین فردی پیوسته از روشهای فشار بیرونی و محیطی برای کنترل رفتار استفاده می کند و این خود یک برداشت نادرست از تربیت است.

این نکته که بدانیم انسان می تواند رفتار

*** نظام تعلیم و تربیت کشور، مربیان جامعه، پدران و مادران باید با توجه به تحولات اجتماعی کنونی و آینده ای که در پیش رو داریم فرزندان این جامعه را برای تشکیل خانواده و به عنوان عضوی از یک خانواده تحت تعلیم و تربیت قرار دهند.**

خویش را تا حد زیادی تحت کنترل درآورده و به آداب شرعی و عرفی مقید باشد و نیز بافتن شیوه هایی که کنترل رفتار متربی را درونی نماید و فراهم آوردن شرایطی که متربی احساس کند دارای کرامت نفس است و این کرامت مانع از آن است که به اعمال پست و نامناسب دست بزند، از مهمترین عناصر تربیت و از آن جمله تربیت نسل نوجوان در زمینه نحوه برخورد و نقلی نسبت به جنس مخالف است.

● روشهای تحقق عملی کرامت زن در جامعه اسلامی یکی دیگر از ضرورت های بحث پیرامون

روابط دختر و پسر در جامعه ایرانی، توجه به پدیده ای است که می باید دست اندرکاران تعلیم و تربیت به آن توجه خاص مبذول دارند و آن احساس ناخوشایند تعداد زیادی از دختران است نسبت به جنسیت خویش. این دسته از دختران نحوه برخورد اجتماع را با آنان به گونه ای می دانند که نشانگر تبعیض بین دختر و پسر است. آنها معتقدند پسران از آزادی و راحتی بیشتری برخوردارند. این احساس نا آنجا پیش می رود که آرزو می کنند که ای گاش پسر بودند و از ویژگی های طبیعی و فیزیولوژیک خود نیز احساس بیزاری می کنند. دختر دانش آموز هفده ساله ای از تبریز که تا حد زیادی به واقعیت های نسل جوان واقف است در پرسشنامه ای^۱ در پاسخ به این سؤال که: نسبت به کدامیک از اعضای بدن خود بیشتر متفر هستید؟ پاسخ می دهد: «از دستگاه بدن خود راضی هستم فقط از دختر بودن خود متأسفم و ضمناً از بیماری های خانمها و زایمانشان چندشم می شود». این خانم در پاسخ به این سؤال که: کدام مسئله بیشتر شما را تحت فشار قرار می دهد و باعث ناراحتی تان می شود؟ چنین پاسخ می دهد: «من هم مثل اکثر دختران ایرانی از تبعیضی که مردم ما بین دختر و پسر قائل می شوند دلم به درد می آید. از این که می بینم آنها را بر ما برتری می دهند و تمام امکانات رفاهی جامعه در اختیار آنهاست و دختر به عنوان چیزی بی مصرف و بی فایده در جامعه مطرح می شود، زجر می برم و آخر مگر خدا انسانها را آزاد نیافرید. پس موقع آزاد آفریدن چرا دختران ایرانی بی نصیب مانده اند و چرا با آنان مانند عروسک و یا مثل یک زندانی رفتار می کنند. چرا این قدر دم از حقوق زن می زنند؟

به خدا جامعه غرب و اروپا هر چه قدر هم

که کثیف باشد و هر چقدر که دختران عروسکهای بزرگ کرده باشند ولی آزادی آنها از ما بیشتر است. در همان ترکیه خراب شده، درست است که فساد و بی بندوباری چیزی بسیار رایج و معمولی است ولی من دخترانی را دیدم که واقعاً ارزش داشتند. چطور با دست خود کار می کردند و خرج تحصیل و یا هزینه تحصیل در دانشگاه را تأمین می کردند و چقدر از لحاظ روحی فکشان وسعت داشت و حتی در زمینه های هنری نیز کارهایی انجام می دادند وقتی من دختران جامعه خود را با آنها مقایسه می کردم با خود می گفتم آخر در دو کشور همسایه این قدر آداب و رسوم متفاوت است؟

این دخترخانم در جای دیگری از این پرسشنامه چنین می گوید: «چرا باید نتوانم با همسن و سالان پسر آن طور که خود می خواهم راست و صریح باشم، رفتار کنم و همیشه من کوتاه بیایم؟ این مسائل شاید برای شما بیش از اندازه باشد ولی برای من واقعاً مسئله است. اگر جامعه به ما (دختران) نیز تعلق دارد، اگر ما متعلق به این جامعه هستیم و اگر در اسلام تساوی حقوق مطرح است، پس این همه ظلم و بی عدالتی چرا؟ و یا اگر اینها فقط شعار است و برای شیره مالیدن بر سر خانمهاست، پس صد رحمت به اعراب زمان جاهلیت که یک دفعه دخترانشان را زنده به گور می کردند و یکبار آنها را زجرکش می کردند نه هر روز و هر ساعت».

این عبارات گویای یک واقعیت است که علی رغم ارائه بینش اسلامی در جامعه مبنی بر کرامت زن و علو مقام انسانی او، شیوه های عملی در جهت ایجاد چنین احساسی در بین دختران و زنان جامعه را در حد مطلوب فراهم نکرده ایم. به آنان گفته ایم که تودارای کرامت و ارزش بسیار

هستی ولی در بسیاری مواقع در عمل، خلاف آن را به اثبات رسانده ایم. یکی از این موارد شیوه برخورد متفاوت جامعه با دختران به هنگام داشتن رابطه با جنس مخالف است. هر چند که این شیوه به دلیل آسیب پذیری دختران می باید متفاوت نیز باشد ولیکن در صورتی که بتوانیم تبیین درستی را به دختران ارائه داده و از اعمال شیوه های کاملاً محدود و بسته در این زمینه اجتناب کنیم، می توانیم تا حد زیادی از پیدایش احساس ناخوشایند نسبت به جنسیت در بین دختران جلوگیری نماییم. می باید در روابط دختر و پسر حدودی را که

* علی رغم ارائه بینش اسلامی در جامعه مبنی بر کرامت زن و علو مقام انسانی او، شیوه های عملی در جهت ایجاد چنین احساسی در بین دختران و زنان جامعه را در حد مطلوب فراهم نکرده ایم.

شرع و عرف جایز می دانند، شناخته و آن را رعایت کنیم و در این زمینه، دچار افراط و یا تفریط نشویم. حضور دختر و پسر نوجوان فامیل در جمع فامیلی و شرکت دادن آنها در بحثها و گفتگوهای جمعی و توجه والدین به این که نوجوان خود را در جمع شرکت داده و او را تماماً مورد خطاب قرار داده و به سخن او دقیقاً توجه نمایند از ضرورت های شیوه برخورد با نوجوانان در عصر حاضر است و در این میان از حضور دختران در جمعی که پسر یا مردی از فامیل حضور دارد، نمی باید جلوگیری نمایند. می باید از دختر بخواهند در عین حضور در جمع، وقار و منانت خویش را حفظ کرده و عقیده خود را

سنجیده و دقیق مطرح نماید. این حد از برخورد، نه تنها برخلاف شرع نیست، بلکه به دختر نیز این امکان را می دهد که برخورد اجتماعی مناسب را تمرین کرده و همچنین از جنس مخالف تصویری واقع بینانه تر پیدا کند و از تصور آرمانی و ایده آل از آنان اجتناب نماید.

از سوی دیگر به دختران دانش آموز می باید در این زمینه توضیح لازم را ارائه داد. باید به آنان گوشزد کرد که خداوند دختر و پسر را برای ازدواج و زندگی مشترک خلق کرده است و این نکته را جامعه نیز به خوبی پذیرفته است. جامعه نیز علاقه مند است که زوجهای جوان زندگی مشترک خویش را با علاقه و دلبستگی به یکدیگر آغاز نمایند و خانواده ای پر از شادی و سرور و خوشبختی ایجاد کنند، ولیکن دختران و پسران جوان می باید توجه کنند که عجله کردن در این راه و عدم توجه به واقعیت های اجتماعی می تواند لطمات جبران ناپذیری را به تشکیل خانواده بزند. برقراری رابطه پنهانی با جنس مخالف از جمله عواملی است که می تواند زندگی سعادت مندانه زناشویی را در آینده به مخاطره بیندازد. شاید یک دختر دانش آموز نداند، پسری که خود را مایل به ازدواج به او معرفی می کند، خود عملاً قادر به ازدواج نیست. پس تنها اظهار پسر و تمایل او برای ازدواج کافی نیست تا دختر در عالم رؤیا سیر کرده و در تخیلات خویش همسر آینده خود را همین پسر بداند. بهتر است در این زمینه طوری عمل کند که جامعه می پذیرد و از برقراری روابط پنهانی شدیداً اجتناب کند.

• پی نوشتها

۱- نهج البلاغه، حکم ۴۴۹

۲- جزیه منتشره نشده ای که توسط دانشجویان رشته روان شناسی دانشگاه تبریز، در سالهای ۶۲ و ۶۳ تهیه شده است.